

مجله جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق)، علمی-پژوهشی، شماره ۱۶۴، بهار ۱۳۸۸

حافظ حاتمی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسؤل)

دکتر محمد رضا نصر اصفهانی (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان)

دکتر علی اصغر بابا صفری (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان)

رویکرد اجتماعی شعر ادیب الممالک فراهانی

چکیده

ادبیات هر دوره چون آینه ای مظهر و مجلای رفتار اجتماعی، فرهنگ، آداب و رسوم، جهان بینی و دیگر کنشهای اجتماع خود است. ادب فارسی و به تبع آن شعر، در زمینه انعکاس اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از ظرفیت بالایی برخوردار بوده است.

با نگاهی دقیق و انتقادی به آثار گوناگون ادب فارسی، می توان چشم انداز مناسبی را از جامعه ای - که اثر در آن خلق شده است - مجسم کرد. دوره بیداری هم با عمر نسبتاً کوتاه خود، یکی از ادوار تأثیر گذار بر جامعه و متأثر از آمال و آلام مردم ایران بوده است.

ادیب الممالک فراهانی یکی از شاعران برجسته این دوره و نقطه اتصال این جریان شعری به شعر انقلاب مشروطه است. این پژوهش بر آن است تا از منظر جامعه شناختی و رویکرد اجتماعی به شعر میرزا صادق امیری معروف به ادیب الممالک فراهانی بپردازد.

کلید واژه ها: ادبیات، جامعه، رویکرد اجتماعی شعر، دوره بیداری، ادیب الممالک فراهانی

مقدمه

میرزا محمد صادق امیری (۱۲۷۷-۱۳۳۵ ه.ق) فرزند حاجی میرزا حسین - که "مظفر الدین شاه در سال (۱۳۱۴ ه. ق.) او را به لقب ادیب الممالک ملقب کرده بود." (آرین پور، ۱۳۵۷: ۲/۱۳۷)، در قریه گازران اراک متولد شد. تخلص او از باب انتساب به دستگاه امیر نظام گروسی انتخاب شده بود. امیر نظام از

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۲۶

پست الکترونیکی: hatami_landi@yahoo.com mmasr . iu.ir babasafary@yahoo.com

چهره‌های مورد احترام شاعر بود و تنها کسی است که در دیوان شاعر تا آخر از او به نیکی یاد شده است. ادیب الممالک پیش از آن «پروانه» تخلص می‌کرد:

چشمت ای «پروانه» مات جلوه شمع هدی شد عنقرب از آتش غیرت تو را بی پر گرفت
(امیری، ۱۳۱۲: ۳۶۰)

ذبیح الله صفا، اشتغال به دانش و ادب را در تبار او موروثی دانسته است:

شاعر هم چنین نویسندگی و اداره روزنامه‌هایی چون ادب در تبریز، مشهد و تهران، ارشاد ترکی در باکو، عراق عجم، آفتاب و مجلس را از سال (۱۳۱۶ ه. ق.) به بعد بر عهده داشت و علاوه بر آن، اشعار و مقالات خود را در آنها به چاپ می‌رساند. میرزا صادق امیری در صص ۶۰۷-۶۱۱ دیوان و دیباچه سال اول و دوم ادب خراسان و سال سوم ادب تهران و از جمله بیت زیر - که در ماه رجب سال (۱۳۲۱ ه. ق.) سروده شده است و بیانگر آن است که شاعر در بطن رویدادهای عصر بیداری و از پیشگامان نهضت مشروطه بوده است - اشاراتی به حرفه روزنامه نگاری خود و آمیختگی آن با سیاست کرده است:

کنون سومین نامه آغاز شد لبم با سیاست هم آواز شد

مدتی نیز به مجاهدان مسلح فاتح تهران پیوست و مدتی هم در وزارت عدلیه کار می‌کرد، جایی که بعد، از منتقدین سر سخت آن شد. آنگونه که پس از گرایش مقطعی به احزاب، سرانجام به مخالفت با آنها می‌پرداخت. در زندگی نا به آرام و در حال دگرگونی وی، گاهی اشتیاق به دربار، گاهی نوعی مناعت طبع و بلند همتی و عرفان کم رنگ و سر انجام گاهی گرایش به لژهای فراماسونی و بیداری ایرانیان وجود دارد. روی هم رفته، مضامینی چون وطن و لزوم دفاع از آن، وحدت ملی و اتحاد اجتماعی، ترقی و تجدد، ستیزه‌گری با نفاق و ریاکاری، انتقاد از مظالم شاهان و ارباب قدرت، بیشترین بُن مایه شعر وی را تشکیل داده است. امیری به لغات دساتیری و تلمیحات اسطوره‌ای، تاریخی، مذهبی و ادبی فارسی و عربی و برابرای فرانسسه (در چند قطعه) توجه نشان داده است. اشاره او به اصطلاحات علوم مختلف رایج و اصطلاحات مخصوص برخی از جریان‌های سیاسی معاصر وی چون فراماسونها، اشاره به اصطلاحات رمل، قمار، کف بینی، آداب و رسوم و باورهای ایرانیان باستان، و ماده تاریخ سرایی، شعر او را دشواریاب و گاهی دیریاب و نافهم نموده است. زبان شاعر در بسیاری از اشعار، زبانی غیر عقیف و به دور از هنجارهای پذیرفته شده است. او در به کار بردن واژگان و ترکیبات مخالف عرف و هنجار، اصرار ورزیده

است. این موضوع ارتباط مستقیم با ناهنجاریها و جامعه نابه سامان عصر وی دارد و می توان آن را با هجوهای سوزنی سمرقندی، عبید زاکانی، سیف فرغانی، شهاب ترشیزی و بیشتر شاعران مشروطه مقایسه کرد.

دیوان ادیب الممالک مشتمل بر قصاید، قطعات، مطایبات، ترکیب بندها و مثنویهاست. اما استادی او در قصیده سرایی است و قصایدش در شکل، طرز گفتار و زبان، تلمیحات و صور خیال، تقلیدی از قصاید پیشینیان است و لی مضامین شعر ادیب الممالک بیشتر اجتماعی، وطنی، سیاسی و انتقادی است. " اشعار او - غیر از آنها که در مدح و هجو گفته است - بیشتر نماینده زندگانی اجتماعی و مبارزات سیاسی وی است.

او در وطنیات، سیاسیات، اجتماعیات و آوردن تمثیلات و حکایات که مبتنی بر نظرهای انتقادی و اصلاحی باشد، از نخستین گویندگان استاد جدید ما است. " (صفا، ۱۳۴۰: ۲۴۹) شاعر در جاهایی مانند سرود ملی، سرود وطنی و سرود غم (ر.ک. صص ۶۸۲-۶۸۴ و ۷۰۲-۷۰۳) در پی نو آوریهای شکلی و قالبی بوده است. او استاد مسلّم مدح و هجو است:

نیست چو من در مدیحه شاعری ماجد نیست چو من در لطیفه حاجی ماجد

(امیری، ۱۳۱۲: ۴۰۰)

۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره بیداری (۱۲۶۴-۱۳۲۴ هـ. ق. = ۱۸۴۸-۱۹۰۶ م.)

دوره بیداری برای یک دوره نسبتاً کوتاه مستقل اما تأثیر گذار حدّ واسط جریان بازگشت ادبی و ادبیات مشروطه و مطابق با آغاز سلطنت ناصر الدّین شاه تا پایان سلطنت مظفر الدّین شاه و سالهای منتهی به نهضت مشروطه به کار می رود.^۱

۱ - اگر چه هرگز نمی توان آغاز و پایانی دقیق و مسلّم برای زوال یک جریان، سبک و مکتب ادبی و شکل گیری جریانی دیگر در نظر گرفت، اما دوره بیداری در تاریخ روشن دو جریان نامبرده قرار گرفته است و در مطالعات و پژوهشها کمتر به صورت مستقل به آن پرداخته شده است. برای اطلاع بیشتر در مورد نظریات موافق و مخالف (ر.ک. رضازاده شفق، ۱۳۵۳: ۶۷۳؛ آژند، ۱۳۶۳: ۱۰۲؛ صفا، بی تا: ۱۲۷؛ حمیدی شیرازی، ۱۳۶۴؛ خاتمی، ۱۳۷۱؛ آرین پور، ۱۳۵۷ و لنگرودی، ۱۳۷۲، صفحات گوناگون.

الف- ویژگیهای این دوره: در این دوره، آگاهی و بیداری شاعران به موازات تحولات گسترده داخلی و خارجی رفته رفته شکل تازه‌ای به خود گرفته است و جهان بینی بسیاری از شاعران و نویسندگان با الهام از شرایط زمانی و تعامل با زندگی عامه مردم است. نگاه شاعران در برخورد با جهان خارج، پیشرفته‌ها و دست آوردهای علمی، اقتصادی، صنعتی، سیاسی - اجتماعی و اصلاحی نگاهی انتقادی و تیز بینانه بوده است و تأثیر دست آوردهای گوناگون و تأثیر و تأثر جریاناتی چون جنگ، مفاسد اجتماعی و اقتصادی، انحطاط اخلاقی، تعلیم و تربیت نو، ترقی و تجدد، وطن پرستی، آزادی خواهی، قانون گرایی، انتقاد و شکواییه و مانند آن در شعر آنان از جمله ادیب الممالک به خوبی آشکار است. حتی در موضوعات سنتی و کلیشه‌ای شعر فارسی مانند شعر درباری و ستایشی هم تغییرات اساسی به چشم می‌خورد. در این دوره رفته رفته "شعر نئوکلاسیک فارسی - بدون این که قوالب پذیرفته شده‌اش را از کف بدهد - سرشار از مفاهیم اخلاقی و اجتماعی شد." (آژند، ۱۳۶۳: ۱۰۲)

ب- تاریخ سیاسی اجتماعی: تاریخ حکومت ترکمانان^۱ قاجار (۱۲۱۰ - ۱۳۴۴ ه. ق. = ۱۷۹۵ - ۱۹۲۶ م.) از پُر حادثه ترین دوره های تاریخ ایران است. این سلسله با مرگ وکیل زند و گریختن آغا محمد خان به تهران و حوادث فراوان و خونریزیهای بی شمار آغاز و حدود یک قرن و نیم با حکومت مستبدانه شش تن دیگر از آنان تا سقوط احمد شاه با اُفت و خیزیهای فراوانی ادامه پیدا کرد. مقارن حکومت آنان در جهان خارج چند انقلاب بزرگ مانند انقلاب کبیر فرانسه (سرفصل انقلابهای بورژوازی ۱۷۸۹-۱۷۹۲ م.) دو انقلاب از جمله انقلاب بلشویکی اکتبر (۱۹۱۷ م.) روسیه به وقوع پیوست. روسها در سال (۱۹۰۴ م.) از ژاپن شکست خوردند. جنگ جهانی اول بین سالهای (۱۳۳۶-۱۳۳۲ ه. ق.) میلیونها انسان را به کام مرگ کشاند و انقلاب صنعتی همچنان در حال دست یابی به پیشرفت های جدید بود. پیوند های ایران با کشورهای فرانسه، شوروی، انگلستان و دولت عثمانی در دوره فتحعلی شاه قاجار آغاز شده بود و معاهدات معروف: گلستان، ترکمن چای، ارزنة الروم هم در پی تاخت و تاز های مکرر منعقد شده بود. نخستین عهدنامه ایران با آمریکا در سال (۱۲۷۳ ه. ق. = ۱۸۵۶ م.) نیز در دوره ناصرالدین شاه و در استانبول بسته شد. ناصر الدین شاه وشاهان و درباریان قاجار هر کدام سفرهایی به جهان غرب داشتند که بی تأثیر

۱- سعید نفیسی، قاجارها را نه ترکمان و سلجوقی و نه مغول، بلکه از ترکان غربی و خویشاوند نزدیک خزرها، قباچها، بلغارها و بچناکها دانسته است. (ر.ک. نفیسی، ۱۳۶۱: ۵-۱۹).

در اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نبود. تاخت و تازهای ترکمانان به آق بند و سرخس، محاصره سه مرحله‌ای هرات و گشودن، خیزش و شورشهای داخلی مانند خیزش حسن خان سالار در خراسان، ادعای مهدویت سید علی محمد باب، شورش آقاخان محلاتی، رهبر فرقه اسماعیلیه، از یک سو، قتل اصلاح طلبان و آزادی خواهانی مانند امیرکبیر، ورود و گسترش صنعت چاپ، تأسیس مدرسه دارالفنون، اعزام محصل به کشورهای اروپایی، رواج روزنامه نویسی، رواج سفرنامه های خیالی، آغاز ترجمه منابع فرانسوی، روسی و انگلیسی و ظهور افرادی چون سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا آقا خان کرمانی، شیخ احمد روحی، جریانات وابسته به لژهای فراماسونی و میرزا حسین خان سپهسالار، اعتضاد السلطنه، میرزا علی اصغر خان سینکی (امین الدوله) پیروزی نهضت مشروطه و تشکیل نخستین مجلس ملی، تصویب قانون اساسی و به توپ بستن مجلس و قتل و زندانی آزادیخواهان، موضوعات داخلی بستر ساز در این دوره اند که بازتاب نمونه های فراوانی از آنها را در شعر ادیب الممالک می بینیم.

۲- مضامین شعر ادیب الممالک فراهانی

در یک تقسیم بندی کلی می توان عمده ترین موضوعات شعری این شاعر را شعر مدحی و درباری و نقطه مقابل آن، یعنی شعر انتقادی، موعظه و اندرز اجتماعی، مضامین دینی، اشعار تند سیاسی و وطنی و پرداخت به اوضاع و شرایط و وضع عامه مردم دانست:

الف- نگاه ادیب الممالک به شعر درباری و ستایشی و شعر انتقادی و شکوائیه

ادیب الممالک چون برخی دیگر از شاعران ادبیات فارسی دارای دوره های گوناگون شعری است. البته این دوره ها ترتیب زمانی منظم ندارند. گاهی شاعر در برهه ای از زمان شیفته شخصی یا گروهی خاص می شد و به شایستگیهایشان امیدوار می گردید. پس از مدتی ناامید می شد و به انتقاد از آنان می پرداخت. در زمینه ستایشگری، غلامحسین یوسفی جلوه هایی از سیمای /نوری را در شعراو دیده است (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۳۸) و یحیی آرین پور، کار اورا "هم مانند اسلافش، با آغاز شعر مدحی به قصد صله و پاداش و تأمین وسایل زندگی برابر دانسته است، او قصاید تملق آمیز و بلند بالایی در وصف امرا و ارکان زمان خود سروده است." (ر.ک. آرین پور، ۱۳۵۰، ۲/ ۱۳۸). ممدوحین امیری هم شاهان قاجار، شاهزادگان و دیگر

ارباب قدرند. چند نمونه زیر به ترتیب در ستایش ناصر الدین شاه، مظفر الدین شاه، محمد علی شاه و نظام السلطنه است:

آن معجزه شرع محمد که به دستش	از خامه و شمشیر عصا وید بیضاست (ص ۹۷)
شهی که زنده کندهوش بندگان با وعد	شهی که مرده کند جان زندگان به وعید (ص ۱۵۲)
پادشاه زاده پیروز جوان بخت سعید	شه محمد علی آن در خورد دیهیم و کمر (ص ۲۵۰)
خدا یگانا من بنده آن کسم که به صدق	فریضه دارم بر خویشتن سجود تو را (ص ۲۵)

از سوی دیگر ادیب الممالک شاعری است آزادی خواه، تجدد طلب و سخت شیفته وطن و پیشرفت آن. گاهی شرایط و الزامات شاعری و رواج سنت شعر مدحی، نیاز به انتساب به دربار و آوازه طلبی، او را به شعر درباری کشانده است و در این زمینه از همه چیز مایه گذاشته است. اما در جاهای دیگر نگاهی دیگر به شعر ستایشی دارد:

من نیستم از آن شعرا که ایشان	قائد شوند ز مره غاؤون را
در مدح هر خسیس فرو خوانند	شعری دو نامناسب و موزون را (ص ۳۶)

آنگونه که خواهد آمد، او شاعری است انقلابی، اصلاح طلب و سخت منتقد دربار قاجار. اما به نظر می رسد شاعر بیشتر درد فردی و شخصی دارد و من فردی او بر من نوعی و اجتماعی غلبه دارد و این خصلت دیگر شاعران این دوره از جمله یغما، شیبانی و داوری است. در عین حال بسامد انتقادات اجتماعی و طعن و طنزهای نیشدار او به آن اندازه ای است که بتوان او را آغازگر راهی دانست که با امثال بهار، دهخدا، نسیم شمال، عارف قزوینی، ایرج میرزا و... به کمال می رسد. افراد و طبقات طرف انتقاد وی هم گوناگون و گسترده اند. از مظالم شاهان، وزرا و اشخاص عدلیه، اوقاف، نظمیه تا ریاکاری احزاب سیاسی، وکلای مجلس (به قول شاعر حشرات الأرض بهارستان) و دیگر ابنای دهر از جمله ادبا، حکما، علما، عرفا و مانند آن است.

در موارد زیر شاعر به ترتیب از مظالم محمد علی شاه، احمد شاه، عدلیه، اوقاف و دیگر گروهها انتقاد کرده است:

بردردشمن شدی با نوک مژگان خاکروب این گنه را کی ببخشد فضل غفارالذنوب؟ (ص ۸۵) بشناس تو آن کار و به مردم میسند (ص ۲۱۴) که خراب است کار عدلیه (ص ۴۶۶) جملگی اصلاح شد جز کار اوقاف ای وزیر (ص ۲۸۴) آلت بیداد خویش شروع و سنن را می بتراشید ایچسند و کلمن را ... (صص ۳-۲)	ای که خاک خویش را چون ریش خود دادی به باد خون فرزندان خود کردی به جام دشمنان شاها پدرت زکار بد یافت گـزـند مگـنـر از کنار عـدلیه کارهای مملکت از قاف تا قاف ای وزیر ای علمـا تا به کی کنیـد پی حرص ای ادبـا تا به کی معانی بی اصل
---	---

او، احزاب سیاسی، ضعف اسلام و مسلمانان در پی اختلافات شدید، اوضاع و شرایط موجود، مشروطه خواهان دروغین (۴۶۹، ۵۱۹ و ۵۴۹) حاسدان شعر (ص ۳۸۵) تقویم نگاران (ص ۴۱۹) روزنامه نگاران (ص ۵۰۸) مجلس شورای ملی (ص ۴۵۷) عسسان (ص ۵۴۹) فقر و ناداری خود، حتی صاحبان مشاغل: استاد رضای نجار، میرزا بابا طیب خلخالی، استاد محمد دلآک (صص سی و یک تا سی و دو متفرقات) را مورد هجو های خود قرار داده است. به طور کلی، رفتار ریاکارانه حاکمان قاجار، باعث گردید ه است: "همان کسی که می نوشت: بیست و چهارم ذی الحجه از سال سیصد و هفت هجری بود. در باغ شمال تبریز، رفتم تا پای حضرت ولی نعمت بزرگ، مظفرالدین شاه، را روحی فداه بوسه زنم." (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۴۹) به یکی از سرسخت ترین متقدان جامعه تبدیل شود. همین رفتار ناسازوار مشروطه خواهان و وکلای مجلس هم باعث گردید که شاعر از آنها قطع امید کند (صص ۵۱۸-۵۱۶).

موضوع نقد اوضاع و حاکمان پیش از این با میرزا فتحعلی آخوند زاده، میرزا عبدالرحیم طالبوف، حاجی زین العابدین مراغه ای و تحت تأثیر ترجمه آثاری چون کمندی مردم گریز، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، بوسه عذرا، تلماک و بیان اندیشه های اجتماعی در آثار میرزا آقاخان کرمانی و ناظم الإسلام کرمانی و سخن از قانون، آزادی، وطن و وطن دوستی، اتحاد اجتماعی در نوشته های امثال میرزا ملکم، سپهسالار، شیخ احمد روحی، امین الدوله بزرگ و دیگران آغاز شده بود، در شعر یغمای جندقی، فتح الله خان شبیانی و ادیب الممالک فراهانی ابعاد دیگری به خود گرفت و پیش در آمدی برای ادبیات مشروطه گردید. با این توضیح که خود ادیب الممالک نقطه اتصال بیداری و مشروطه است. انتقادات نیشدار و زهرآگین این شاعر در اشکال متفاوت طنز، هجو، هزل و مطایبه و با زبانی متفاوت، حجم گسترده ای از

دیوانش را دربر می‌گیرد و کمتر کسی یا گروهی است که از تیغ طعن و طنز او درحاشیه امن قرار گرفته باشد.

ب- موعظه و اندرز اجتماعی

ادبیات تعلیمی دارای بخشهای متفاوت و متنوع است. آثاری که برای اهدافی چون آموزش یک موضوع یا علم خاص و البته با بهره‌گیری از ظرایف و دقایق ادبی نوشته یا سروده شده‌اند و هم چنین آثاری که برای تعلیم و تربیت، موعظه و اندرز و سفارش به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل و زشتیهاست از مصادیق ادبیات تعلیمی است. در کنار این آثار مستقل، بیشتر آثار حماسی و غنایی از نوع داستانهای بزمی یا عاشقانه، عارفانه، ستایشها و نکوهشها، حسب حال و حدیث نفس، گلایه‌ها و شکوائیه‌ها و ... با سفارشها و نتایج اخلاقی و گوشزد نمودن اندرزها و عبرت‌پذیریها همراه است که می‌تواند حوزه ادبیات تعلیمی را بیشتر نماید. شاعران و نویسندگان ادبیات فارسی از دیرباز تلاش کرده‌اند در کنار زیباییهای برخاسته از ذوق و تخیل و بهره‌گیری از عناصر زیبایی سخن برای خلق آثار ادبی ارزشمند و سازگار با سلیقه مخاطب، به رویکرد تعلیمی آثار هم توجه داشته باشند. گاهی در پاره‌ای از آثار حتی صبغه تعلیمی محض بودن بر دیگر جنبه‌های زیبایی شناسی اثر، سایه انداخته است. ادیب‌الممالک و دیگر شاعران این دوره بنا بر سنت گذشته و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و تجربیات خود تلاش کرده‌اند، آثارشان را سرشار از موعظت، خطابه‌ها، اوامر و نواهی و دعوت به نقد وقت و غنیمت دانستن ارزش عمر، عبرت از کار گذشتگان و تاریخ، تزکیه‌های نفس، همراهی علم و عمل، مناعت طبع، قناعت، عدم وابستگی به دنیا و بی‌اعتباری آن دعوت به بیداری، دفاع از وطن، دانش‌اندوزی و خردورزی و دهها موضوع دیگر نمایند. در این جا نکته مهم و برجسته این است: برخی از همین کسانی که دیگران را در اندرزهای خود به همراهی گفتار و عمل و یک رنگی و صداقت دعوت می‌نمایند، خود کمتر به این صفت متصف هستند و این موضوعی است که تأثیر سخن آنان را از بین برده است. بهره‌گیری گروهی هم از زبان ناسره و عامیانه و کاربرد واژگان، ترکیبات و کنایاتی که با هنجارهای جامعه و عفت کلامی کمتر سازگاری دارد، از دیگر عوامل بی‌توجهی مردم به اندرزهای گروه دیگر بوده است. برخی از این شاعران مجموعه‌هایی مستقل در نصیحت و موعظه دارند که نصایح منظومه شیبانی از این موارد است.

ج- مضامین دینی و مذهبی

جامعه‌شناسان در تبیین نهادهای اجتماعی، مذهب را هم یکی از نهادهایی می‌دانند که در کنار نهادهای اقتصادی، حکومتی، آموزشی و خانواده قرار می‌گیرد و از آن به عنوان نهاد دینی یاد می‌کنند. این یک حقیقت مسلم است که زندگی اجتماعی انسان در کنار ابعاد مادی و فیزیکی خود، دارای باورها و انگاره‌های معنوی و متافیزیکی است.

در یک بررسی اجمالی می‌توان به این نتیجه رسید که وسعت دایره نهاد دینی نسبت به دیگر نهادهای اجتماعی بیشتر است. به این دلیل که همه باورها و ایدئولوژی بشر، آداب و رسوم، قوانین و مقررات، عرف، سنت و ارزشهای اخلاقی جامعه را در بر می‌گیرد. مواردی که شالوده اصلی ساختار هر جامعه است. خود شاهان قاجار و درباریان تلاش می‌کردند از طریق مشروعیت دینی حکومت خود را موجه جلوه دهند به همین دلیل نسبت به مذهب تشیع دلباخته بودند و در ایجاد ولادت، مراسم و شعائر این را نشان می‌دادند. در ابتدا برای استفاده از فتوای علمای شیعه و ظاهر سازی از آنان هم حمایت می‌کردند. ناصر الدین شاه در دیوان خود شیفتگی و دلباختگی خود به اهل بیت مخصوصاً امام حسین(ع) را نشان داده است و نذر کرده بود چند روزی کفشدار امام هشتم باشد. شاعران این عصر هم مجموعه آثار خود را سرشار از مضامین دینی و مذهبی نموده‌اند.

شعر ادیب الممالک سرشار از مضامین اعتقادی و باورهای دینی است و به خوبی می‌توان اعتقادات یک فرد مسلمان شیعه را در اصول و فروع دین در دیوانش دید. اگر چه نخستین هدف یک اثر هنری و ادبی، بهره‌مندی از جوهره خیال‌انگیزی و لذتی است که در آن نهفته است، اما در عین حال شعر برخی از ادوار و سبکهای معروف، بیشتر شعری تعلیمی است تا جایی که ذوق ادبی و جذآ بیتهای هنری گاهی قربانی مواعظ و اوامر و نواهی شرعی می‌شود. شاعر بخشی از دیوان خود را به مرثی (سوگ سروده‌های) اهل بیت عصمت و طهارت اختصاص داده‌است. تضمین و اقتباس مضامین قرآن، تلمیح به داستانهای قرآنی و بهره‌گیری از احادیث، روایات و سنت بزرگان دین، بخش گسترده‌ای از شعر این شاعر را به خود اختصاص داده است که در جاهای گوناگون و به فراخور مطلب گوش زد شده است.

سه بیت از مسمط گونه معروف ادیب الممالک در تهنیت ولادت پیامبر اسلام:

فخر دو جهان فرخ رخ اسعد	مولای زمان مهتر صاحب‌دل امجد
آن سید مسعود و خداوند مؤید	پیغمبر محمود ابوالقاسم احمد
وصفش نتوان گفت به هفتاد مجلد	این بس که خدا گوید: ما کان محمد
	(صص ۵۱۱-۵۱۶)

۳- زمینه های اجتماعی

زمینه های اجتماعی شعر ادیب الممالک را می توان در چهار عنوان کلی: جریانات و پدیده های سیاسی و اجتماعی بستر ساز، ظهور عناصر تازه در زندگی مردم و باز تاب آن در شعر این شاعر و فرهنگ و عناصر فرهنگی هنجارها و ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی و اجتماعی تقسیم کرد و هر کدام از این سه عنوان را هم با زیر مجموعه هایی نشان داد.

الف- جریانها و پدیده های سیاسی و اجتماعی

درنگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره بیداری به این نکته اشاره شد که: این دوره در میانه سلطنت قاجار، رویدادهای گوناگونی را تجربه کرد که شاعری چون میرزا صادق امیری هم بنابر تعهد اجتماعی، الهام از اوضاع و احوال و شکل گیری نوعی جهان بینی جدید در میان آنان توانسته است این حوادث را در شعر خود بازتاب دهد و گاهی خود شاعر در بطن حوادث قرار گیرد و فقط نقش نظاره گر و بازگو کننده را نداشته باشد. بحرانها، آشوبها، خیزشها و جنگهای داخلی و خارجی و بازتاب آنها در شعر این دوره از یک طرف و رفتار استبدادی و فساد حاکمان و درباریان، گسترش این نوع رفتار به بدنه اجتماع و عامه مردم، تحول اساسی در زندگی و گذر از این نظام نیمه فئودالی و فئودالی به نظام بورژوازی و خرده بورژوازی و شکل گیری شهرهای جدید، هجوم نیروی کار کشاورزی و دامداری به شهرها و کارهای خدماتی و دولتی و مشاغل نو و گاهی کاذب، صنعتی شدن و ظهور عناصر و پدیده های نو در زندگی بشر و به تبع آن در ایران و نقش این پدیده ها در ارتباطات، همه میدانی برای تاخت و تاز و زمینه هایی اجتماعی برای این شاعر بوده است. شاعران کم کم فاصله خود را با بدنه جامعه کم می نمودند و اغلب با مردم همدردی می کردند. در این راستا، گاهی شرح آوارگیها و در به دریهای را - که نتیجه برخی از حوادث است - مفصل بیان کرده اند.

قآانی و سروش اندکی پیش از این آغازگر سنت پرداختن به مؤلفه‌هایی بودند که هر کدام از آنها تأثیر فراوانی در رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناختی شعر این دوره دارد. همان گونه که پیش از این هم اشاره شد، شعر سبک اصفهانی (هندی) در دوره صفویّه از نظر نزدیکی شعر و تعامل و تأثیر و تأثر اجتماعی قدمهای مثبت و ارزنده‌ای برداشت و راه را تقریباً هموار نموده بود. مهمترین این مؤلفه‌ها، جنگهای پی در پی و شورشها و خیزشهایی بود که زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده بود و ما در قسمت جنگ یا ستیزه گروهی بیشتر به آن می‌پردازیم. اما بازتاب اثرات جنگها و شورشها، قسمت گسترده‌ای از زمینه‌های شعری این دوره را به خود اختصاص داده است.

قتل خان خان خویه با جمعی از وابستگان او، جریان محاصره شهر هرات در سه نوبت و در سالهای (۱۲۴۹، ۱۲۵۳ و ۱۲۷۳ هـ. ق.) و سرانجام فتح آن در سال (۱۳۷۳ هـ. ق.) عصر حکومت ناصرالدین شاه و دخالت مستقیم انگلستان در این موضوع، ورود سپاه روس تزاری به خراسان و آذربایجان، به دار آویختن احرار ایران و سرانجام تهییج ایرانیان به مقابله با دشمن در (صص ۵۵-۵۶) دیوان میرزا صادق امیری:

ای مسلمانان گسر ایتان روز و ایتان روزگار نامی از اسلام در گیتی نماند عتقـــــــــــــــریب...
گر همی خواهی که اسلام آید از خواری برون جان فدا کن گریه را حاصل چه باشد ای ادیب

شاعران این دوره از حوادث مربوط به دیگر کشورهای جهان هم آگاهند و جهان بینی آنان با توجه به این آگاهیها شکل می‌گیرد. موضوعی که به کلی با طرز شاعران گذشته تفاوت دارد و انگیزه‌ای برای بیداری و آگاهی مردم ایران و عبرت‌پذیری از این گونه حوادث شده است. پس از شکستهای ایرانیان از روسها و امضای قرار دادهای ننگین، این گونه القا شده بود که روس شکست ناپذیر است. ناگهان این کشور در جنگ با ژاپن شکست خورد و ابّهت آن در هم شکست. این موضوع نیز دست آویزی برای تشویق ایرانیان وطن پرست و پاسخ به این القای نادرست در شعر ادیب الممالک گردید:

حدیث ژاپــــــــــــون بگویی و میکــــــــــــادو اگر حدیث کنی این چنین حدیث رواست
سزاست آن که به مردانگی و غیرت و علم علم شنوند که امروزه دستشان بالاست
چه شد که این پسر نو رسیده شــــــــــــرق به شرق و غرب لوایش بلند و دست رساست

(ص ۱۰۱)

نام بردن از جریاناتی مانند انقلاب صنعتی و پیشرفت‌ها و فن‌آوری‌های نو در جهان غرب هم مطلبی است که تا عصر ناصری به آن پرداخته نشده و شاعری چون شبیانی به آن اشاره کرده است (شبیانی، ۱۳۷۱: ۳۴۳). سفرهای شاهان قاجار و دیگر ارباب قدرت به فرنگ و آمریکا که با هزینه‌های هنگفت صورت می‌گرفت و می‌توانست منشأ تحولات و اصلاحات گوناگون شود، موضوعی که قربانی دیگر اهداف این گونه سفرها شده است. بازتاب این سفرها در شعر دوره بیداری مخصوصاً میرزاصادق امیری هم قابل توجه است:

- سفر حاجی معین السلطنه آقا میرزا محمد علی رشتی به آمریکا در (ص ۴۶۲) دیوان:
در آن سفر که به آمریکا شد ز خاک فرنگ به عهد خسرو مبروز ناصرالدین شاه
به قصد دیدن بازارگاه شیکاگو شتافت با دل روشن در آن نمایشگاه

- موضوع مهمی مانند به توپ بستن حرم امام رضا (ع) در چندین جای دیوان امیری به چشم می‌خورد:

توپ بستند در ایوان رضا شوکت اسلام از روس نماند (ص ۵۵۱)

ورود سپاه روس تزاری به خراسان و آذربایجان (صص ۵۵-۵۶) شورش افغانها در ماه رجب سال (۱۳۲۳ ه. ق.) (ص ۴۷۲) زلزله ژاپن (ص ۶۰) گرانی نان و قحطی تبریز و شورش مردم در این شهر در سال (۱۳۱۶ ه. ق.) (ص ۳۱۶) قتل ناصرالدین شاه سال (۱۳۱۳ ه. ق.) مرگ مظفرالدین شاه سال (۱۳۲۴ ه. ق.) بیداد و فتنه ترک هزاره و همه اتفاقات بزرگ و کوچک را این شاعر روزنامه نگار به سان گنجینه‌ای ارزشمند برای آیندگان نگاه داشته است.

شکل‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی

در بررسی نظام طبقاتی این دوره به جمعیتها، احزاب، گروهها و دسته‌هایی برخورد می‌شود که کم‌کم در حال شکل‌گیری و گسترش بودند. موضوعی که تا آن زمان در تاریخ ایران سابقه نداشت و اندیشه‌های اصلاحی و انتقادی برخی از افراد و گروه‌ها به پیدایی این طبقه‌ی تأثیرگذار کمک می‌کرد و می‌توان آنها را

از عوامل اصلی بیداری ایرانیان به شمار می‌آورد. در همان سالهای آغازین سلطنت ناصرالدین شاه، مجلس مصلحت خانه در نتیجه فشار عناصر اصلاح طلب، آشفته‌گی وضع عمومی کشور و انعکاس فساد و تباهی و نا به سامانیه‌ها، با ریاست عیسی خان اعتماد الدوله و در سال (۱۲۷۶ هـ. ق.) و البته دستور شخص شاه - که بیشتر جنبه صوری و تشریفاتی آن را نشان می‌دهد - تشکیل شد و با این وجود، نوید به بار نشستن انتقادات فزاینده را علیه شاه و ارباب قدرت می‌داد.

تأسیس دارالشورای کبیر در سال (۱۲۷۸ هـ. ق.) و ایجاد فراموش خانه حدود سالهای (۱۲۷۵ - ۱۲۷۸ هـ. ق.) از دیگر اقدامات در این راستاست. نقش فراموش خانه و لژهای بیداری را - که رضا قلی خان هدایت، محمود خان ملک الشعرا و ادیب الممالک هم به آنها وابستگی داشته‌اند - نباید کم ارزش تلقی کرد. جزوه راپورت فراموش خانه را شخصی - که دو درجه از فراموش خانه را طی کرده بود - برای ناصرالدین شاه نوشته، متن آن را محمود کتیرایی کتشر کرده بود (آدمیت، ۱۳۵۶: ۶۸).

ادیب الممالک در یک مثنوی به شرح و توضیح پاره‌ای از اصطلاحات و رموز مربوط به فراماسونها و لژ بیداری و علت پیوستگی‌اش به این مجامع پرداخته است. (ر. ک. امیری، ۱۳۱۲: ۵۷۵-۵۹۷)

این مجامع ابتدا به خاطر مبارزه با گرفتن قروض خارجی و درباریان طماع و بوالهوس و نادان شکل گرفت و به وسیله اعضای فراماسونری ایران اداره می‌گردید. همه کارگردانان اصلی - که هسته مرکزی را تشکیل داده بودند - از جمله فراماسونهای ایرانی بودند که در اروپا و آسیا وارد تشکیلات فرماسونی شده بودند. نخستین بنیانگذاران آن هم محسن خان مشیر الدوله، میرزا ملکم خان، میرزا محمد علی خان قوام الدوله، موقر السلطنه، نصرالملک هدایت، محمود خان حکیم الملک، سید جمال الدین اسدآبادی و ... بودند و در بین طرفداران آن شاهزاده، وزیر، دیوانی، سیاسی، ادیب، حکیم، مجتهد، واعظ، تاجر، کسبه و مردم بی اسم و رسم وجود داشت.

ای برادر بیار دل به گرو	وز فراماسونی ز من بشنو
سبب ارتباط ما یکسر	غیر این نکته نیست چیز دیگر
مجمع فرقه فراماسون	که به جا مانده از زمان کهن
فکر و دانش همی کند تعلیم	بی ریا بر برادران سلیم (صص ۵۷۵-۵۹۷)

"لژ بیداری ایران به طور رسمی در دارالخلافه طهران به طور رسمی با اجازه شرف اعظم فرانسه و شورای عالی ماسنی فرانسه در شب سه شنبه نوزدهم ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ هـ. ق.) تأسیس یافت و نخستین کسی که در این لژ پذیرفته شد، این بنده نگارنده بود. لژ مزبور بعد از بمباردمان مجلس مطابق سه شنبه بیست و ششم جمادی الاولی سنه ۱۳۲۶ هـ. ق.) تعطیل شد و پس از استقرار مشروطیت ثانوی در شب سه شنبه سلخ ذی القعدة (۱۳۲۷ هـ. ق.) مجدداً افتتاح شد." (امیری، ۱۳۱۲: ۵۹۵)

در فرانسه ز شرف اعظم تافت آفتابی که قلب ذره شکافت...
تا ز آن نور سنگها بگداخت لژ بیداری در ایران ساخت... (ص ۵۷۶)

این روند به تشکیل احزاب و گروهها با نگرش متفاوت انجامید که شکل گیری مشروطه و امضای منشور آن در چهاردهم جمادی الآخر (۱۳۲۴ هـ. ق. = پنجم اوت ۱۹۰۶ م.) مجلس ملی و تصویب قانون اساسی به ترتیب در شعبان و ذی قعدة همان سال از نتایج آشکار آن می باشد و شعرا دیب الممالک و شاعران مشروطه سرشار از پرداختن به این احزاب، گروهها و تشکیلات تازه و نقاط مثبت و منفی آنهاست.

خدا رحمت کند مرحوم حاجی میرزا آقاسی را بیخشد جای آن بر خلق احزاب سیاسی را
ترقی، اعتدالی، انقلابی، ارتجاعیون دومکراسی و رادیکال و عشقی اسکناسی را
شاد باش ای مجلس ملی که بینم عنقریب از تو آید درد ملت را در این دوران طیب
پارلمانی کنون گشته در آن جا به پای کز اثرش شد پدید شروشور انقلاب
(صص ۵۳، ۶۰ و ۵۵۷)

خود ادیب الممالک، در کنار دل بستگیها و وابستگیهای دیگر، مدتی هم شیفته احزاب و جریانات سیاسی بود ولی هنگامی که احزاب نتوانستند انتظارات او را برآورده نمایند و یا وقتی که احزاب به سوی دربار و یا دولتهای بیگانه تمایل نشان می دادند، از آنها جدا می شد و نیش تند نقد خود را مدتی متوجه آنها می ساخت.

نشر جراید یکی دیگر از عناصر سیاسی - اجتماعی نو در جامعه ایران است. روزنامه، نقش بسیار برجسته ای در آگاهی و بیداری جامعه ایران در سالهای منتهی به مشروطه و سراسر نهضت مشروطه و پس از آن ایفا می نمود. نخستین نشریه فارسی را در ایران به نام کاغذ اخبار، میرزا صالح شیرازی، یکی از چهار

دانش جوی تحصیل کرده در فرنگ، در بیست و پنجم محرم سال (۱۲۵۳ ه.ق.) منتشر نمود و دیری هم نپایید که تعطیل شد. و پس از آن نیز در سال (۱۲۶۷ ه.ق.) روزنامه‌ی دارالخلافة - که از شماره دوم به نام وقایع اتفاقیه تغییر نام یافت - به دستور امیرکبیر و با مدیریت میرزا جبار تذکره‌چی منتشر شد. این نشریه بعدها به نام روزنامه دولت علیه ایران با مدیریت صنیع الملک چاپ و انتشار می‌یافت.

در دوره حکومت ناصری و مظفری روزنامه های فراوانی چاپ و منتشر می شد که میرزا صادق امیری ضمن سر دبیری روزنامه مجلس، در روزنامه های ایران سلطانی (۱۳۲۱ - ۱۳۲۲ ه.ق.) ارشاد ترکی (۱۳۲۳ ه.ق.) هفته‌نامه ادب در تبریز (۱۳۱۶ ه.ق.) مشهد (۱۳۱۸ ه.ق.) و تهران (۱۳۲۱ ه.ق.) عراق عجم (۱۳۲۵ ه.ق.) همکاری داشته و اشعار و مقالات خود را در آنها چاپ می‌کرده است (ر.ک. خاتمی، ۱۳۷۴: ۸۹ - ۱۰۴؛ آرین پور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۱ - ۱۳۸؛ استعلامی، ۱۳۳۵: ۴).

جرايد در ستون خویش گنجایده از هر سو	هجاهای جریری هزل های بونواسی را (ص ۱۶)
جریدۀ آفتاب از مطلع نور	فشاند مشک تر بر لوح کافور...
پی ترویج دین و دانش و داد	همی خواهم کنون داد سخن داد... (ص ۶۲۲)

ب- ظهور عناصر تازه در زندگی مردم ایران

ظهور عناصر تازه، ورود آنها به زندگی مردم ایران و تأثیر بسزا و از همه مهمتر بازتاب این پدیده ها و عناصر در شعرا دیب الممالک و دیگران هم از زمینه ها و عوامل بستر ساز ادبیات است. در این دوره گروهی از شاعران و نویسندگان با باز شدن دروازه های فکری و فیزیکی جهان خارج و ورود اندیشه ها، فرهنگها و پیشرفتهای علمی و فن آوریهای نو و روز افزون بشر - که از دوره صفویه در بُعد اندکی به روی شاهان و مردم ایران آغاز شده بود - به فرنگ سفر کردند و تلاش نمودند مظاهر دانش، تمدن و فن آوری آنان را در شعر خود بازتاب دهند که از این حیث میرزا ابوالقاسم فرهنگ، پسر وصال شیرازی در سال (۱۳۰۴ ه.ق.) برای معالجه به فرانسه رفت و در قصیده ای سی و شش بیت، آزادی، ثروت، کار، آراستگی شهر، پیشرفتهای صنعتی، راستی و درستی مردم، سخن منطقی، مهربانی و خوش خویی، آداب کلیسا و... را نقل نموده است و در نهایت از حکمت و طب آنان گلایه دارد (نقل از رضازاده شفق، ۱۳۵۳: ۶۲۶ - ۶۲۸).

گروهی چون سروش اصفهانی و توحید شیرازی هم به توصیف تلگراف و ساعت پرداختند و در پی دست آوردهای انقلاب صنعتی، تحولات و ساخته های تازه و با اشکال گوناگون وارد زندگی مردم ایران شد. ایرانیان در این عصر از طریق شهر تبریز، پایتخت دوم قاجار، و استانبول ترکیه با کشورهای اروپایی ارتباط برقرار می کردند و از جانب مرزهای غربی با دولت عثمانی و از ناحیه آستارا و باکو با روسیه و هم چنین از راههای شمال شرقی و مشرق به شبه قاره هند رفت و آمدهای فراوان داشتند. علاوه بر این نقش بندرها و راه های آبی و کمپانیهای از جمله کمپانی هند شرقی و مداخله برخی از کشورها چون انگلستان، روسیه و فرانسه هم چشم گیر بود. در زمینه صنعت و تکنولوژی جدید و پیشرفتهای اقتصادی و هم چنین خدماتی که به طور مستقیم در عرصه زندگی بشر وارد شد و مردم ایران هم به تناسب و با گذر زمان از آن بهره مند می شدند، می توان موارد زیر را بیان کرد: نخستین چاپخانه در سال (۱۲۳۳ هـ. ق.) یعنی سی و یک سال قبل از آغاز دوره مطالعه با همت عباس میرزا به وسیله زین العابدین تبریزی با حروف سربی وارد ایران شد و کتاب فتح نامه ای در وصف جنگهای ایران و روس نخستین چاپ آن است. در دوره صفویه صنعت چاپ در حجم کمی برای فعالیتهای آرامنه جلفای اصفهان به کار گرفته شده بود. نخستین خط تلگراف در سال (۱۲۶۷ هـ. ق.) بین قصر گلستان و باغ لاله زار کشیده شد و طی دو سال تهران با رشت، تبریز، همدان، اصفهان، شیراز و مشهد ارتباط تلگرافی پیدا کرد. و بازتاب آن ابتدا در شعر سروش اصفهانی و پس از آن در شعر داوری، شببانی، ادیب الممالک و ... مشاهده می شود:

خلق را سرمایه از لاف و خلاف اندر شود گفت و گوی مردمان با تلگراف اندر شود
(ص ۳۶۳)

احداث راه خاکی به عنوان شاه رگ ارتباطی و نقش آن در رفت و آمدها و حمل و نقل ساده تر، و در کنار آن ورود خودرو به عرصه زندگی ایرانیان در دوره ناصرالدین شاه و تحوّل که این وسیله نقلیه در زندگی ایجاد می کرد:

توراه تهران زی قم نموده ای مفتوح تو چتر احسان در ملک کرده ای منصوب
که دیده بود که صد میل راه دور و دراز کسی ببرد از گاه صبح تا غروب (ص ۸۲)

در این دوره، شرکت بوتال فرانسوی صاحب امتیاز نخستین خط آهن تهران - ری (شاه عبدالعظیم) شد که مردم آن را ماشین دودی می گفتند. پس از آن هم بایرون انگلیسی - که بعدها در سال (۱۳۰۶ ه. ق.) امتیاز بانک شاهی را هم از ناصرالدین شاه گرفت - و بلژیکیها در سال (۱۲۹۱ ه. ق. = ۱۸۷۴ م.) امتیاز احداث خط آهن رشت - تهران و تهران - خلیج فارس را به مدت پنجاه و هفتاد سال از ناصرالدین شاه گرفتند و روسها هم امتیاز خط آهن جلفا - تبریز را گرفتند که نتوانستند به موقع تحویل دهند. این پدیده نو هم رسماً وارد زندگی اجتماعی و شعر این دوره قرار گرفت:

می برد هر لحظه صد فرسنگ ره یا بیش و کم	اسب آهن پا که بینی آتشین دارد شکم
بی صدا چابک سواری تند بردارد قدم (ص ۲۷۲)	دود از گوشش رود بر چرخ گردون دم به دم
بهر کرسی ثبوت حقایق فکند	ای عقل دوربین تو در اولین ظهور
روش چنان که صبح بهشت از جمال حور (ص ۲۷۲)	تاریک خانه زمی از عکس چهرهات
بهار صفت آزاد خجسته سیر (ص ۲۲۵)	مدیر قوه برقیه شاه زاده صفی

در این ابیات اخیر به اصطلاحات مربوط به دوربین عکاسی، کار آن و وجود جریان برق در گوشه هایی از ایران پرداخته شده است. در سال (۱۲۸۹ ه. ق. = ۱۸۷۲ م.) ناصرالدین شاه، امتیازات استخراج کلیه معادن فلزات غیر از فلزات قیمتی و زغال سنگ و نفت ایران را به بارون جولوس دو روتیر، یهودی آلمانی تبعه انگلستان داد. از آن هنگام نیز موضوع کار در معادن، استخراج فلزات، صادرات و تلاشهای استعماری در زمینه استفاده از این منابع به مسأله روز تبدیل شد و دامنه آن به شعر و ادب فارسی هم کشیده شد. گامهای اولیه برای اموریست همگانی در زمان صادرات امیرکبیر برداشته شد و در سال (۱۲۹۱ ه. ق.) میرزا علی خان امین الملک وزیر رسایل و پست شد و یک هیأت اتریشی هم برای امور پست استخدام گردید. پیک سواره، جای پیکهای پیاده گرفت. بدین وسیله چاپارخانه یا اداره پست برای به مقصد رساندن مکاتبات عمومی در صحنه ظاهر شد.

تأسیس بیمارستان زنان و کودکان کمی پس از عصر بیداری در شعر امیری:

ز این کاخ شفا به رایگان است	اطفال و زنان ملک ما را
بیمارستان بانوان است (ص ۱۲۳)	تاریخ اساس و نام و نامیش

ج- فرهنگ و عناصر فرهنگی اجتماعی

فرهنگ را می‌توان اساسی‌ترین مفهوم علم جامعه‌شناسی و علوم مربوط به آن دانست. از این رو اهمیت و کارکرد مقوله فرهنگ را باید بر اساس تعامل و تأثیر و تأثر با عناصر دیگر زندگی بشر مطالعه نمود. چرا که جامعه‌شناسان فرهنگ را زمینه‌ای کلی در نظر می‌گیرند که به نوعی همه عناصر دیگر مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر "فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع و فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عنصر جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد." (تایلور، روح الامینی، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۸) با این توصیف فرهنگ شامل جزئی‌ترین عنصر و پدیده موجود تا مفاهیم کلی یک جامعه و تنظیم کننده روابط فردی، اجتماعی یا گروهی آن جامعه است. جامعه‌شناسان هم چنین فرهنگ را به عنوان "مجموع رفتارهای اکتسابی و ویژگیهای اعتقادی اعضای یک جامعه..." یا "نحوه زیستی که هر جامعه برای رفع احتیاجات خود از حیث بقا، ادامه نسل و انتظام امور اجتماعی اختیار می‌کند" می‌شناسند (کوئن، ۱۳۷۲: ۵۱؛ روسک، ۱۳۳۵: ۹). مجموعه فرهنگی، فرهنگ مادی و غیر مادی میراث فرهنگی یا اجتماعی، فرهنگ پذیری و تأثیر فرهنگها بر یکدیگر، پس ماندگی فرهنگی در نتیجه تعارض و ناهماهنگی بین پیشرفتهای مظاهر فرهنگ مادی با هنجارها، ارزشها، باورها و مانند آن است. در نگاهی محدود، فرهنگ بیشتر به عناصر غیر مادی زندگی و در برگیرنده آداب، رسوم، عرف، سنت و چگونگی تأثیر پذیری و تأثیر گذاری این عناصر با دیگر فرهنگها است که خود به خود با چگونگی خوراک، پوشاک و روابط اجتماعی افراد هم گره خورده است. به دنبال آن، اصطلاح افراد یا جوامع با فرهنگ و بی فرهنگ و یا فرهنگهای ضعیف، غالب و برخوردار هم بیشتر ریشه در این نگرش به تعریف فرهنگ دارد. این گونه به نظر می‌رسد که شاعران دوره بیداری با این رویکرد به فرهنگ نگاه کرده‌اند و آن را با واژه‌های ادب، دانش و فکر همراه ساخته‌اند.

و افروختم چراغ ره از فرهنگ (ص ۳۱۸)

خیز و مردانه ز آن جا به هامون کش رخت

(ص: ۱۱۰)

بستم متاع دانش بر فتراک

خانه‌ای را که ز فرهنگ در او نیست چراغ

فرهنگ پذیری یا تأثیرپذیری فرهنگ جوامع گوناگون بشری از یکدیگر، واپس ماندگی فرهنگی در نتیجه عدم تعادل و هماهنگی بین پیشرفتهای صنعتی و فن آوری، یعنی بخش مادی فرهنگ و هنجارها، ارزشها، باورها، اعتقادات، سنن و مانند آن، از دیگر موضوعات وابسته به فرهنگ است که در شعر دوره بیداری و در کنار نوشته ها و ترجمه های آثار غربی منتقد جامعه ایرانی عصر قاجار دیده می شود.

بازتاب دیگر فرهنگها به صورت آداب لباس پوشیدن، غذا خوردن، کراوات و کلاه، نوشیدن چای، آرایش و پیرایش مردان و فکل کردن و داد و ستدها در شعر میرزا صادق امیری به وفور دیده می شود و این نکته با باز شدن دروازه های فیزیکی و فکری جهان در پی ارتباطات و رفت و آمدها، داد و ستدها و مداخلات و رفت و آمد و آشنایی شاعران و نویسندگان با مظاهر آداب و تمدن جهان خارج به دست می آمد.

یک نمونه آن سفر فرهنگ شیرازی، برادر داوری، به فرانسه و تأثیرپذیری او از عناصر فرهنگ این کشور است که به آن اشاره شد. نمونه های دیگر، مانند اشاره شاعرانی چون جیحون یزدی و یغمای جندقی به فرنگ و آداب آن دیار فراوان است. نمونه ای از ادیب الممالک در توصیف پزشکانی که از علم طب کمترین اطلاعی ندارند و با ساخت و نمایش فرنگی خود، سخت تحت تأثیر فرهنگ فرنگ قرار گرفته اند:

سباله اش — آمیخته به کسماتیک	به زیر بینی و بالای لب شده کژ تاب
چنان که انتر و گاتیف به زیر دو ویرگول	به هیئت افقی بر فراز یک سیلاب
زگالش و کروات و فکل تو پنداری	برون زاست فرنگی شد آن فرنگی مآب...

(ص ۷۶)

آداب، رسوم، سنتهای اجتماعی، قانون، مقررات اجتماعی، عرف، شرع، تشریفات، شعائر و مناسک اجتماعی و تفریحات و بازیها از نمونه های عناصر فرهنگی است که شاعر به آنها پرداخته است و در این جا هم به این موارد اشاره می گردد:

رسوم و عادت اجداد از این پسر بینی چنان چه عادت آساد بینی از ابشال (ص ۳۲۵)

هر کدام از عناصر فرهنگی یا هنجارهای فرهنگی - اجتماعی در جامعه شناسی دارای تعریف، کارکرد و شواهدی نسبتاً نزدیک به هم است. چنانچه برای تعریف هنجاری مانند آداب، خود به خود از تعریف رسوم کمک گرفته می شود. موارد دیگر از جمله سنن اجتماعی، تشریفات، قوانین و مقررات، شیوه های

قومی و عرف هم رابطه نزدیکی با همدیگر دارند و در تعریف همه، به نوعی با واژه رسم ارتباط به وجود می‌آید. پس می‌توان این گونه ادعا کرد که با اندکی تسامح و تساهل، برخی از این هنجارها می‌توانند برخی دیگر را پوشش دهند و یا در کنار هم رابطه ترادف ایجاد کنند. طرح این موضوع برای این است که در ادبیات هم دایره اینها بسیار درهم و تو در تو است و نمونه‌هایی که در این جا گزینش شده است، تا اندازه‌ای با توجه به این وجوه مشترک است. بازتاب آداب، رسوم و سنن اجتماعی در شعر ادیب الممالک، مانند ادوار گذشته شعر فارسی فراوان و گسترده است به شکلی که اگر برای نمونه فقط به آداب مخصوص یکی از اعیاد و جشنها مانند نوروز پرداخته شود، گنجینه سرشاری از اطلاعات و دانستی‌هایی پیدا خواهد شد که در جهت حفظ هویت فرهنگی و پیوستگی مردم ایران از زمان حال به گذشته، بزرگ‌ترین حلقه اتصال خواهد بود. نگاه دقیق شاعر به آدابی از جمله آداب فرنگی، آداب مردم ژاپن، رسوم عزاداری و سیاه، حرز و تعویذ، هفت قلم آرایش، جناب شکستن (جناب یا جناغ شرطی یا گروهی باشد که دو کس با هم بندند. قمار بازی) (فرهنگ معین)

مگر که شیر مرا خود خریده‌ای به سلف ویا من و تو به هم به شکسته‌ایم جناب (ص ۷۸)

و سستهایی مثل سستی سوزی (ستی {هندی} زنی باشد که خود را با شوهر خود - که مرده باشد - در آتش اندازد و بسوزاند. (فرهنگ معین)

شقایق نعمان از داغ چون ستیان رود در آتش سوزان همی به کیش هنود (ص ۱۴۶)

وضع قانون با وکیلان است و اجرا با ملوک حکم عرف است از حکیمان حکم شرع از انبیا

(ص ۲۷)

بزرگ داشت قانون و اندرز به احزاب سیاسی:

صحف هوشنگ و دفتر جاماسب فرع قانون مجلس مآلی است

(ص ۵۵۸)

جشن مهرگان، نوروز، سده، چهارشنبه سوری، یلدا، عید قربان، غدیر، فطر، سوگ سیاوشان، دهه محرم و عاشورا را می‌توان از برجسته‌ترین مناسک و تشریفات خاص اجتماعی جامعه ایران و میراث ماندگار

گذشتگان دانست که این شاعر و دیگران از آنها یاد کرده اند و رد پای همه این موارد در شعر این دوره به چشم می خورد تا هرگز از حافظه مردم ایران پاک نشوند.

- نزدیکی عید قربان، غدیر، نوروز و جمعه:

آمد نغز و هژیور و فرخ و فیروز اضحی و عید غدیر و جمعه و نوروز
گشته برابر چهار عید مبارک آمده از پی چهار طالع فیروز (ص ۲۹۳)

قاجار را در پی سستی که در دوره آل بویه و صفویه رایج شده بود، به خود معطوف ساخته بود. ناصرالدین شاه قاجار دستور داده بود: تکیه مبارکه دولتی را - که در شماره پنجاه و سوم روزنامه شرف محمد حسن خان اعتصام السلطنه، تصویر و توضیحی در ساخت آن منتشر شده است - (تجربه کار، ۱۳۵۰: ۲۱۰) بسازد و در آثاری مانند شرح زندگانی من و روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه به آداب مخصوص، نذورات و تعزیه گردانی اشاره شده است. تفریحات و بازیها هم در شعر ادیب الممالک جایی دارد و به بسیاری از تفریحات و بازیها از جمله شطرنج، نرد، قمار و پاسور، جناب یا جناغ بستن، بازیهای محلی و سرگرم کننده مانند شاه بازی و هم چنین دوره کردن دیوانگان و مصرف مواد افیونی، دخیانی و مشروبات برای سرگرمی اشاره شده است. گروهی از این تفریحات و بازی های سرگرم کننده دارای جنبه های مثبت و آموزنده و بخش از آنها از عناصر نا بهنجاری اجتماعی به کار می رود که در جاهای دیگر به آنها اشاره شده است.

پرداختن به رواج و گسترش مصرف پاره ای از محصولات مظاهر فرهنگهای مناطق گوناگون از جمله جهان غرب در ایران، یکی دیگر از زمینه های اجتماعی جامعه شناسختی رفتار مردم نزد این شاعر است که در بخش اعتیاد آمده است.

د - هنجارها و ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی

در فرهنگهای جامعه شناسی "هنجارها عبارت از احکامی هستند که به عنوان ضوابط مشترک عمل اجتماعی به خدمت گرفته می شوند. رفتار انسانی قاعده مندیهایی معینی از خود بروز می دهد که حاصل پای بندی به انتظارات یا هنجارهای مشترک است." (آبرکرامی و...، ۱۳۷۰: ۲۵۹) ارزشها از جمله هنجارهای

فرهنگی و اجتماعی هر جامعه اند. جامعه‌شناسان، ارزشها یعنی «احساسات ریشه‌دار و عمیقی که اعضای جامعه در آن شریک هستند.» (کوئن، ۱۳۷۲: ۶۱) را در صف مقدم هنجارهای فرهنگی - اجتماعی قرار می‌دهند و از نقش ارزنده این مؤلفه در تعاملات اجتماعی و به وجود آوردن نوعی هماهنگی و یک پارچگی جوامع در نتیجه برخورداری از ارزشهای مشترک سخن می‌گویند.

باورهای دینی، وحدت اجتماعی و اتحاد ملی، ترقی و تجدد و تلاش در راه پیشرفت جامعه، استقلال، آزادی خواهی، وطن دوستی و دفاع از میهن، نظارت اجتماعی، کمک به هم نوع و همدردی با افراد جامعه برجسته‌ترین مصادیق ارزشهای اجتماعی هستند که بازتاب آنها را در دیوان امیری می‌توان به خوبی مشاهده کرد.

ادیب الممالک را می‌توان در کنار منادیان بزرگ وحدت در دوره بیداری، یعنی سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ احمد روحی، محمد عبده و اقبال لاهوری قرار داد. آنان تفرقه و جدایی را بزرگترین خطر جهان اسلام و نقشه بر ساخته استعماری دانسته‌اند و تلاش کرده اند با طرح اشتراکات دینی و ملی، گامهای اساسی در راه پیوند و نزدیکی مردم بردارند. او در قصیده‌ای طولانی به مناسبت جنگ روس و ژاپن و غلبه ژاپنها بر روسها و به صورت ضمنی در تهنیت مردم ایران نقش ارزنده اتحاد و اجتماع را این گونه سروده است:

غـرض ز انجمن و اجتماع جمع قواست	چرا که قطره چو شد متصل به هم دریاست
ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت	هر آن چه نفع تصور کنی در او گنجاست

(صص ۹۸-۱۰۱)

وطن و وطن دوستی

واژه وطن و دیگر واژگان مترادف آن دارای معانی و مصادیق فراوانی است. اما در حوزه مباحث سیاسی، این واژه بیشتر در معنی سرزمینی است با مردمانی که به لحاظ قومی، زبانی، فرهنگی و دیگر عناصر و نمادهای وحدت بخش دارای اشتراکات باشند. دل بستگی شدید و آمادگی تا حـدجان سپردن در راه حفظ آن از وظایف همه افراد وطن می‌باشد. در این جا تلاش ما بر این است که جای و ارزش وطن

را از این حیث در شعر دوره بیداری و شعر ادیب الممالک بررسی نماییم. در این دوره برای وطن مصادیقی دیگر مانند وطن دینی یا وطن اسلامی است که فرد مسلمان به یک وطن بزرگ تر تعلق خاطر پیدا می کند و در این صورت با همه مسلمانان جهان اسلام، فارغ از مرزهای جغرافیایی هم وطن است. این طرز نگرش در آثار سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، کواکبی و بعدها در شعر علامه محمد اقبال لاهوری به چشم می خورد. نگاهی به سفرنامه خیالی سیاحت نامه ابراهیم بیگ (حاجی زین العابدین مراغه‌ای، ۱۳۶۴: ۱۰۲ و ۱۹۳) این طرز تلقی و نگرش تازه به موضوع میهن و میهن دوستی و مخالفت با شعر درباری در نوع خود بی سابقه و آغازگر ادبیات میهنی و بروز عناوینی چون **مأم وطن** و **عروس وطن** است. ادیب الممالک در قصاید و قطعاتی در حبّ وطن و لزوم پاس داشت آن داد سخن داده است که از مشهورترین آنها قصیده وطنیه درسوگ پالوس گروگر قهرمان و رئیس جمهوری ترانسووال در جنگ با انگلستان (۱۳۲۳ هـ. ق. = ۱۹۰۴ م.) و با مضامینی بلند و سرشار از عواطف ملی است (صص ۱۶۹-۱۷۰).

و نیز توصیف مأم وطن و تنبّه ایرانیان برای پی بردن به ارزش آن و تلاش در پاسبانی و پیشرفت ایران:

تا کی ای شاعر سخن پرداز می کنی وصف دلبران طراز ...
در اصول ترقیات وطن شعر برگو گزیده و ممتاز (صص ۲۸۵-۲۸۶)

پیشرفتها و بازماندگیها صورت گرفت و نتیجه آن پیدا شدن دو شیوه نگرش متفاوت برای درمان عقب ماندگی و هم گام شدن با چرخ پیشرفتهای دیگر کشورها از جمله جهان غرب بود. با آغاز نگاه تازه و انتقادی برخی از ارباب قدرت و ابستگان به دربار از یک طرف و نویسندگان، شاعران، بازرگانان، روحانیون، دانش اندوختگان از طرف دیگر دو رویکرد متفاوت به خوبی دیده می شود. در رویکرد نخست با اقداماتی چون اعزام محصل به غرب، تشویق به ترجمه آثار علمی دیگر ملل، دعوت از معلمین غربی، وادار کردن به اصلاحات در امور گوناگون و در شعر و نثر، تلاش در بومی کردن فرآیند ترقی خواهی ملت ایران دیده می شود. در رویکرد دیگر شیفتگی و سرسپردگی برخی از افراد و جریانات به مظاهر تمدن غرب با مبارزه سرسختانه‌ای علیه هویت خودی، فرهنگ و عناصر فرهنگی از جمله باورها، ارزشها، آداب و رسوم و سنت دیده می شود.

ادیب الممالک فراهانی در صدر شاعران این دوره، نگاهی دو گانه به این مقوله دارد. او از یک سو در برخی از قصاید و قطعات خود از جمله قصیده وطنیه در تهییج و برانگیختن ایرانیان به استعدادها و تواناییهای فرزندان این سرزمین و بهره جویی از فرصت به دست آمده در پی انقلاب صنعتی و پیشرفتهای موجود اعتقاد کامل دارد:

کشور خاور شده است خسته و بیمار	خیز و برایش یکی طیب به دست آر...
چند شود مختلفی دقایق احکام	چند بود منطوی حقایق اخبار
رسم مدارس کنید و نشر جراید	سوی معارف روید و در پی آثار
جام تدین شده است ممتلی از زهر	باغ تمدن شده است یک سره پر خار

(صص ۲۵۱-۲۵۳)

گاهی پیشینه گران قدر تمدن بزرگ ایرانی اسلامی را نادیده گرفته است و همه چیز را از غرب دانسته است:

به ایران از اروپا گشت روشن چراغ تربیت شمع تمدن (ص ۴۱۲)

ناهنجاریهای اجتماعی فرهنگی را می توان در دو دسته مفاسد اخلاقی و انحطاط اجتماعی و مفاسد اقتصادی تقسیم کرد و به مصادیق آنها پرداخت. جوامع گوناگون دارای احساسات، ارزشها، قوانین و مقررات خاصی هستند که بر اساس تفاهم و قرار داد اجتماعی و با احساس تکلیف فردی و گروهی به آنها پای بندند. نهاد حکومتی هم با کارکردهایی چون حفظ نظم و ایجاد امنیت بر آنها نظارت می کند. مردم برخی از این هنجارها را به طور طبیعی در تعامل با یکدیگر و برخی راه هم از راه آموزش آموزه ها فرا می گیرند و در ساده ترین روابط اجتماعی کوچک تا پیچیده ترین برخوردهای جوامع بزرگ و گسترده به کار می بندند. جامعه هرگونه انحراف از این اصول پذیرفته شده را بر نمی تابد و آن را خلاف نظم و انضباط اجتماعی می داند و گاهی مجازاتهای سنگینی را برای هنجارشکنان در نظر می گیرد. انحراف و یا گریز جمعی از هنجارهای پذیرفته شده (ناسازگاری اجتماعی) اغلب به هرج و مرج و بی ثباتی اجتماعی منجر می گردد و اعمال قدرت همراه با خشونت و دیکتاتوری از سوی طبقه حاکم و یا نهضت های اصلاحی و جنبشهای

مردمی را ممکن است در پی داشته باشد که در قسمت اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر قاجار به آن اشاراتی شد. دروغ، ریاکاری و نفاق، تملق، ستمگری و بی عدالتی، رشوه، مالیاتهای هنگفت و خراجهای سنگین، سلف‌خری، باده نوشی، توجه به خرافات، فساد جنسی، دزدی و جنگهای پی در پی داخلی و خارجی را می‌توان از نمونه‌های آشکار ناهنجاریهای فرهنگی - اجتماعی موجود در شعر دوره بیداری دانست که در دو عنوان کلی مفسد اخلاقی و مفسد اقتصادی به آنها پرداخته می‌شود.

مفسد اخلاقی و انحطاط اجتماعی یکی از نمودهای رفتار نابه‌هنجار فرهنگی - اجتماعی، باده نوشی است که خلاف احکام الهی و اساس بسیاری از گناهان و به هم خوردن نظم اجتماعی می‌باشد. از آغاز شعر فارسی تاکنون سه رویکرد متفاوت نسبت به این موضوع وجود داشته است و بهانه‌ای برای مضمون‌پردازی نیز گردیده است. در حالی که نشان از تمایل به نوشیدن شراب و توصیف شراب‌مادی و با رنگ و بوی محسوس در شعر امثال قآنی، یغما و شیبانی در این دوره وجود دارد، اما شخصیت متزلزل و غیر یک دست ادیب الممالک در چندین مورد از جمله در برخورد با این موضوع ثابت و یک دست است و در بسیاری از اشعارش باده نوشی و برخی دیگر از عوامل نابه‌هنجاری را منع کرده و به پیروی از آموزه‌های دینی و سخن بزرگان دین شراب‌ام‌الخبائث خوانده است:

درخت رز ام‌الخبائث است و به تحقیق جز بچه ماران نزاید از شکم مار (ص ۲۳۹)

اعتیاد و مصرف پاره‌ای از مواد از موارد نابه‌هنجاریهای فرهنگی و اجتماعی است. شواهد و مستندات تاریخی و اشارات سفرنامه‌ها و خاطرات نویسندگان داخلی و خارجی، بر آن است که اعتیاد به انواع و اشکال مصرف خود در سراسر دوره قاجار - به ویژه عهد ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه - وجود داشته است و از مناصب و مقامات مختلف تا مردم عادی را هم در بر می‌گرفت. نمونه بارز آن در بحث مربوط به مصرف تنباکو و تحریم آن در واقعۀ رژی بوده است. اما اعتیاد به سیگار و دیگر مواد دخانی کم‌کم در جامعه ایرانی رواج پیدا می‌کرد.

شادا و خرما دل آن کس که وارھید ز افیون و بنگ و چای و می و قهوه و توتُن

(ص ۴۲۵)

بدعت در دین و تفسیر و برداشتهای سلیقه ای از دین، بزرگترین آسیب اجتماعی است که در هر دوره ای می تواند خطرناک باشد. سرتاسر دوران حکومت قاجار، هم بازر دین فروشی و بدعت نهادن گرم بوده است که بیشتر برای فریب مردم و موجه نشان دادن چهره حاکمان و وابستگان و تا حدودی روحانیون درباری بود. ادیب الممالک با این که خود گاهی به این موضوعات دامن زده است، اما چهره دین فروشان را هم به خوبی نشان داده است:

بازار دین فروشی و خود کامی است دگان غیب گویی و رمالی است
(ص ۴۸۹)

قولشان یک سرخلاف و عهدشان یک باره سست لاله هاشان خار و زر، مس، کارهاشان نادرست
(ص ۶۷۱)

دزدی و راهزنی؛ ویژگی عمده دزدی در عهد قاجار- به ویژه دوره ناصری و مظفری- آن است که این صفت ناپسند در بین افراد طبقات گوناگون فراگیر و عام بود و از مناصب بالا تا بدنه اجتماع را در بر می گرفت. به بیان دیگر ناگهان نوعی دزدی عالمانه پیدا می شود که دزدان با اطلاع کامل و آگاهیهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به آن می پردازند و این نوع دزدی تقریباً در همه پیکره جامعه و حکومت دیده می شود. همین موضوع بهانه ای شده است تا شاعران این دوره در شناخت چهره دزدان هم ظرافت و دقت نظر نشان دهند.

در چنین جامعه ای، مقامات و مناصبی مانند قضات، وزرا، پاسبانان، وابستگان به دربار و... - که بنابر اصل و قانون باید مخالف دزدی و دزدان و ابزار مهار آنان باشند - خود در صفت مقلد دزدان قرار می گیرند:

عسسان با صفت دزدان در شهر همسره و همدم و همراز شدند
در بازی پچول حریفان زن به مزد دزدان شده وزیر و وزیران شده دزد
قاضی اگر دزد و دزد اگر شده قاضی نیس تو را حله اعتراض و جسارت...
دزد بگیری مکن که عاقبت الامر دارد بر خورد این نکته بر مقام وز صص ۵۴۹، ۲۱۰ و ۱۰۵

قمار بازی از دیگر ناهنجاریهای فرهنگی - اجتماعی است که به عنوان یکی از مفسد اخلاقی در جامعه عهد قاجار رفته رفته دارای زوایا و ابعاد گوناگون گردیده بود. دربار قاجار با اجازه افتتاح قمار خانه، نوعی مشروعیت و رسمیت هم به آن بخشیده بود. "از جمله این امتیازات (امتیازاتی که ناصر الدین شاه به دیگران داده بود.) یکی حق قرعه کشی و لاتاری و افتتاح قمارخانه بود در ایران که ابتدا ملکم اجازه آن را از شاه برای خود گرفت." (راوندی، ۱۳۵۶: ۲/ ۵۱۰) شکل بازی و انواع گوناگون و اصطلاحات مربوط به این عمل ناپسند و خلاف هنجار هم مورد اشاره امیری قرار گرفته است:

ز این شش اندازان چه بینی غیر تاراج و شتل از زکام ایدر چه زاید غیر مالیخولیا؟
گفتم آری پیشوایانند این شش تا زنان بهر داو نرد در چال قمار و منگیا
چشم تو آس و رخت بی بی و ابروی تو شاه گونه لکاته و خیل مژگان سرباز است
(صص ۲۷ و ۱۲۳)

تملق گاهی فقر و ناداری و گاهی هم آزمندی و علاقه به پیشرفتهای تازه در به دست آوردن مقامات و مناصب گوناگون و یا دست یابی به خوراک، پوشاک و ثروت بیشتر، در طول تاریخ باعث حقیر شمردن افراد و زیر پا گذاشتن کرامت انسانی آنان گردیده است. چاپلوسی در همه بدنه اجتماع، به ویژه در نزدیکان دربار، به عنوان یک آسیب اجتماعی وجود داشته است. بسیاری از شعرا و نویسندگان - که در مورد آسیب شناسی این پدیده سخنان فراوانی گفته یا نوشته اند - خود از بارزترین مصادیق آن هستند. روی آوری به سمت این عمل ضد اخلاقی دو توجیه متفاوت دارد. یکی شخصیت خود شاعران و نویسندگان درباری در اثر آزمندی و جاه طلبی و دیگری ارباب قدرت در پی نیاز به ابزار تبلیغ و آوازه جویی است. امیری هم - که در جاهایی مناعت طبع او مثال زدنی است - از عبدالعلی خان پالتوی خواسته است و در قطعه‌ای غراً بامطلع:

ولی نعمتای که مهر کفت ربایید ز ماه درخشنده ضو
چه باشد که بر وی عنایت کنی ز الطاف وافی یکی پالتو (ص سی متفرقات)

همین شاعر در جاهای دیگر تعابیر زیر را برای تملق کنندگان به کار برده است:

خایه مالیدی مر محتشم السلطنه را سیر کردی زکرم صد شکم گرسنه را
چند این بساط چینی و برچینی وز خلق خایه مالی و برمالی (صص ۵۴۷ و ۴۸۹)

خرافات؛ اعتقاد به خرافات موضوعی است که تقریباً در همه ادوار شعر و نثر فارسی با اشکال گوناگون وجود داشته است. در مبحث مربوط به درون مایه های دینی و مذهبی، اشاره شد که بشر همواره نیازمند ارتباط با یک قدرت برتر و نیروی فرا زمینی بوده است تا به آن وابستگی خاطر پیدا کند و به پرستش آن پردازد و از چنین قدرتی هم یاری بخواهد. توجه بشر به خدایان و عناصر طبیعی از جمله خورشید و ماه و نیروهای مرموز جادویی و باورهای خرافی دیگر از جمله تأثیر ستارگان در سرنوشت انسان و خوش بختی و بد بختی حاصل از آنها همه در همین چشم انداز قابل بررسی است. در دوره هایی از تاریخ ایران، باورهای خرافی و توجه به جادوگری، کف بینی و رمالی نمود برجسته ای پیدا کرده است. پس از دوره استیلای مغول، بر اثر اعتقاد شدید ایلخانان مغول و سربازان آنان، دامنه آن بسیار گسترده تر شد. دوره تیموری هم یکی از ادوار کمال این جریان یعنی توجه به خرافات است. گاهی خود حکومتها برانگیزاننده مردم به سوی این گونه مسائل بوده اند. در عصر قاجار نشانه های فراوانی از باورهای خرافی مخصوصاً در جماعت زنان دیده می شود که در بررسی نظام طبقاتی و در مورد طبقه زنان به آن اشاره می شود. رسوبات این نگرش نزد شاعران اندیشمندی مانند امیری دیده می شود. این شاعر دفتر مخصوصی به خط خود در قواعد رمل و کف بینی نوشته، پاره ای از اصول آن را هم به نظم در آورده است:

یک نقطه خط شمار لحيان انگیس به عکس او همی دان
خط و نقطه و دو خط به تقدیر حمزه است و بیاض عکس آن گیر ...
اشکال رمل این است و بس خواهی اگر ترتیب آن
نام تلهای کواکب که بود در کف دست گر ز ابهام شماری و به خنصر گروهی

(صص ۷۱۶-۷۱۸ و دوازده مفرقات)

دشنام دادن؛ ناگفته نماند که دشنام و ناسزا گویی با شدیدترین وضع آن روال معمول اشعار یغما و ادیب الممالک فراهانی است و شاعران دیگر هم به نسبت میل و اشتیاهی به کاربرد واژگان رکیک و

خلاف عرف و اخلاف دارند. این موضوع ریشه در اخلاق اجتماعی و رفتار حاکم بر جامعه عصر این شاعران داشته است.

خواجه ... الملک بر فحش اشتهایی تام دارد ز آن که بی عار است و طبعاً میل بر دشنام دارد
(ص ۱۸۲)

در مذهب من ساده دروغی به سزاوار ز آن راست که باور نشود جز به قسم به
(ص ۴۷۷)

مفاسد اقتصادی؛ دوره بیداری یک دوره گذر و حائل است و ویژگیهای دوره گذر از یک نظام فئودالی به دورانی نیمه فئودالی و کم کم نظامی بورژوازی با پیشرفتها و فن آوری متأثر از جهان غرب، آغاز نوعی زندگی شهرنشینی و تغییر بسیاری از مشاغل و خدمات، مهاجرتها و باز شدن پای بسیاری از پدیده‌های نو در زندگی مردم ایران به خوبی در روابط اقتصادی هم دیده می‌شود. در کنار دست آوردهای گوناگون این دوره، مفاسد اقتصادی هم در قالب بی عدالتی در توزیع قیمتها و باج و خراجهای سنگین، رشوه خواری، سلف خری، دزدی نهب و غارت، پارتی بازی و ... وجود داشته است. "فساد دربار ناصر الدین شاه و ظلم و جور حکام، مخصوصاً رشوه خواری در اواخر سلطنت او رو به افزایش گذاشته بود و در میان رجال داخل در کار نیز دیگر کس وجود نداشت که در فکر چاره‌ای باشد. چه با قدرت فوق العاده امین السلطان واستیلائی که بر مزاج شاه داشت، هیچ کس نمی‌توانست دم از اصلاح طلبی بزند." (راوندی، ۱۳۵۶: ۲/۵۱۱).

باج، خراج و مالیات سنگین، رشوه خواری، سلف خری، پارتی بازی، خوردن مال اوقاف، از مهمترین مصادیق مفاسد اقتصادی است که سخت مورد انتقاد این شاعر ریز بین و نکته سنجند و بارها به آنها پرداخته شده است:

گر خراسان جان برد از دست روس و انگلیس جان نخواهد برد از بیداد نجدالسلطنه ...
رسم گیرد در دهات از کنگر و ریواس و قارچ باج خواهد در بلوک از یوشن و از درمنه
چون بلوچ آید سوی بیلاق و کوه از گرمسیر در هوای ماست می‌چسبد به تخمش چون کنه
ز گند رشوه خواران عالمی قرین بدی است که هست معنی رشوت به پارسی بد گند

مگر که شیر مرا خود خریده‌ای به سلف و یا من و توبه هم برشکسته‌ایم جناب
 (صص ۴۵۴-۴۵۵) (صص ۱۳۴، ۲۰۹ و ۱۰۵ و ۷۸)
 به اوقاف اندرون دزدی سه چار اندر کمین خفته که بر باید طعام و کسوة طاعم را و کاسی را
 کارهای مملکت از قاف تا قاف ای و زیـــــر جملگی اصلاح شد جز کار اوقاف ای و زیـــــر
 (صص ۲۰۹، ۴۶۶، ۵۵۶، ۲۸۴ و ۱۶)

جنگ (ستیزه گروهی) هم بزرگ‌ترین نمودهای نا بهنجاری جوامع است از نظر جامعه شناسان کنشهای متقابل اجتماعی یا مثبت و سازنده اند و یا منفی گسسته. در صورت منفی بودن به صورتهای سبقت جویی، رقابت و ستیزه کاری ظاهر می شوند. (آ.گ. برن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۳۵۳) یکی از پدیده های شوم عصر قاجار، جنگ و خونریزی است. جنگهای داخلی و بین المللی بخش گسترده ای از دوران قاجار را تشکیل می دهد. شاعر، منتقد و روزنامه نگاری چون امیری هم به خوبی از اوضاع آشفته و جنگ زده عصر خود آشنایی دارد و تأثیر این پدیده شوم در دیوان او به خوبی قابل مشاهده است:

مالی که در جهان پی تقدیر و سرنوشت سازند صرف جنگ که کاری است شوم و زشت
 گر صرف علم و صنعت و اخلاق می شدی مردم بُدی فرشته و گیتی شادی بهشت
 (ص ۱۲۵)

با این حال، وطن و دفاع از آن برای او، موضوعی مهم است:

جنگ ننگ است در شریعت من جز پی پاس دین و حفظ وطن
 درد دین و وطن چون نیست تورا صلح کل شو مدار چون و چرا
 (ص ۶۰۴)

نگاه به شخصیت زن

یکی از سنتهای رایج و تقریباً کلیشه ای شعر فارسی، نگاه بد بینانه به جنس زن است. شاعران نامدار زبان فارسی - اگر چه با رندی تمام تلاش کرده اند، دو تصویری متفاوت از زن ارائه دهند - اما آنچه از آثار آنان مشهود است، حاکی از یک نگرش منفی و قرار دادن آنان در مقابل مردان است. تعداد اییاتی که شعرای طراز اول شعر فارسی با نگاهی مثبت به زن توجه می کنند، به مراتب کمتر از موارد منفی است. به طور کلی

در دوره قاجار نگاه تحقیر آمیزی به زن - با همه حضور فعالی که زنان در صحنه های مختلف زندگی اجتماعی داشته اند - وجود داشت و آنان را فرو دست و حقیر می شمردند. این ذهنیت، از بدو تولد نوزاد دختر، به گونه ای مداوم در پیکر اجتماع تزریق می شد (دلریش، ۱۳۷۵: ۱۰۳). عدم ذکر نام زن از سوی مرد و کاربرد عناوینی مانند: ضعیفه، عورتی و ... در این راستا صورت می گرفت. یکی از ویژگیهای جامعه عهد قاجار، اعتقاد فراوان به خرافات و علوم خفیه بود. متأسفانه همین نگرش منفی و دست کم انگاشتن جامعه زنان، از جمله گرایش بیشتر این قشر به جادو و خرافات بود. در دیوان ادیب الممالک هم چنین نگرش منفی نسبت به شخصیت زن وجود دارد:

اگر ت هیچ خرد باشد از زنان بگریز
وز آشیانه ماران سپک برون کش رخت
غم عروس و غم وام مـــــرد را شکند
خوش آن که زاین دو غم آرامگاه دل پردخت
(ص ۱۱۸)

نتیجه گیری

وظیفه اصلی ادبیات، نشان دادن آلام و آمال مردم جامعه است. از کنش و واکنش یا تأثیر گذاری و تأثیر پذیری جامعه و ادبیات، در دوره های گوناگون شعر و نثر فارسی، آثار ماندگاری رقم خورده است که از این منظر می توان به اشعار دوره بیداری ایرانیان و از همه مهمتر، شعر ادیب الممالک فراهانی اشاره کرد. دیوان ادیب الممالک در نگاه انتقادی به جامعه و توجه به زمینه ها و موضوعات اجتماعی یکی از معدود دیوانهای شعر فارسی است. احساس شاعر این است که در امواج بیداری جامعه قرار گرفته است و به عبارتی جهان بینی او از اوضاع و احوال جامعه الهام گرفته است؛ به همین دلیل شعر او مملو از موضوعات جامعه شناختی می باشد. بررسی زمینه های اجتماعی شعر این شاعر معروف دوره بیداری و الهام بخش ادبیات مشروطه، منبع با ارزش و مستندی برای مطالعات جامعه شناسی و مباحث معروف به اجتماعیات در ادبیات فارسی است.

کتابنامه

- آبرکرامبی، نیکلاس و...؛ فرهنگ جامعه شناسی؛ ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- آدمیت، فریدون؛ *ایدئولوژی نهضت مشروطیت در ایران*؛ تهران: انتشارات پیام، ۱۳۳۵.
- آژند، یعقوب؛ *ادبیات نوین ایران* (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- آگ. برن ونیم کوف؛ *زمینه جامعه شناسی* (اقتباس ام. آریانپور)؛ نشرهفتم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۳.
- آرین پورجیبی؛ *از صبا تا نیما*؛ ج ۲. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۰.
- استعلامی، محمد؛ *ادبیات دوره بیاری و معاصر...*؛ تهران: دانشگاهیان سپاهیان، ۱۳۵۵.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان صنیع الدوله؛ *چهل سال تاریخ ایران در دوره ناصرالدین شاه* (المآثر والآثار). به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات کتابخانه فروردین، ۱۳۶۳.
- _____؛ *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*؛ مقدمه وفهارس ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶.
- امیری، میرزاصادق، ادیب الممالک فراهانی قائم مقامی؛ *دیوان*؛ به تدوین و تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، مطبعه ارمان، ۱۳۱۲.
- حمیدی شیرازی، مهدی؛ *شعر در عصر قاجار*؛ تهران: گنج سخن، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- خاتمی، احمد؛ پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت؛ تهران: بهارستان، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- داوری شیرازی، میرزا محمد؛ *دیوان*، به اهتمام نورانی وصال، ناشر وصال، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- دلریش، بشری؛ *زن در دوره قاجار*؛ چاپ اول، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- راوندی، مرتضی؛ *تاریخ اجتماعی ایران*؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- رضا زاده شفق، صادق؛ *تاریخ ادبیات ایران*؛ تهران: انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲.
- رضایی، عبدالعظیم؛ *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران*؛ چاپ اول، تهران: نشر علمی، ۱۳۷۶.
- روح الامینی، محمود؛ *زمینه فرهنگ شناسی*؛ تهران: انتشارات عطار، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- روسک، جوزف و...؛ *مقاله ای بر جامعه شناسی*؛ ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه فروردین، ۱۳۳۵.

- ساروخانی، باقر؛ *دایرة المعارف علوم اجتماعی*؛ چاپ اول، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۷۰.
- سایکس، سرپرسی؛ *تاریخ ایران*؛ ج ۲، ترجمه محمدتقی فخرداعی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- شیبانی، فتح الله خان؛ *دیوان (برگزیده)*؛ گرد آورنده احمد کرمی، تهران: ۱۳۷۱.
- صبای کاشانی، محمودخان؛ *دیوان*؛ ضمیمه سال بیست و سوم ارمغان، تهران: چاپخانه چهر، ۱۳۲۹.
- صفاء ذبیح الله؛ *گنج سخن (شاعران بزرگ پارسی گوی و...)*؛ چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و پخش کتاب، ۱۳۴۰.
- _____؛ *مختصری در تاریخ تحول نظم و نشر فارسی*؛ دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، بی تا.
- کوئن، بروس؛ *مبانی جامعه شناسی*؛ ترجمه واقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۲.
- لنگرودی، شمس؛ *مکتب بازگشت (بررسی شعر دوره های افشاریه، زندیه و قاجاریه)*؛ تهران: نشر مرکز، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۲.
- معین، محمد؛ *فرهنگ فارسی معین*؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۴.
- ن. آ. کوزنتسوا. *بی تا (پیرامون اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران)*، (در پایان سده هجدهم؛ سیروس ایزدی، تهران: نشرین الملل، بی تا.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد؛ *تاریخ بیداری ایرانیان*؛ به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۴.
- نفیسی، سعید؛ *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران (دو جلدی)*؛ تهران: انتشارات بنیاد، چاپ چهارم، ۱۳۶۱.
- یوسفی، غلامحسین؛ *چشمه روشن (دیداری باشاعران)*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۴۹.